

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۲
صفحه ۴۱ تا ۶۰

بررسی رویکردهای سیاستی و حقوقی در قبال اطفال و کودکان در ایران پس از انقلاب اسلامی

فاطمه یوسفی اوروند / دانشجوی مقطع دکتری، گروه حقوق، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

fatemehyosefi92@gmail.com

حامد رستمی نجف آبادی / استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد تهران، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی،

تهران، ایران (نویسنده مسئول) hamedrostami@mazaheb.ac.ir

سید مهدی جلالی / استادیار، گروه حقوق، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران،

Dr.s.m.jalali52@gmail.com

چکیده

سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری حقوقی در حوزه کودک به عنوان یکی از حساس‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی مطرح می‌باشد. سه بازیگر خانواده، جامعه و دولت مهمترین نقش را در تعیین حدود حقوق کودک و همچنین صورت‌بندی سیاست‌های معطوف به کودکان و اطفال ایفا می‌کنند. در ایران پس از انقلاب اسلامی نیز مساله کودک و جلوگیری از خطرها و آسیب‌های کودکان در دستور کار دولت قرار گرفته است و چتر حمایتی در دو سطح سیاستی‌گذاری (نهادی) و حقوقی (قانون - اسناد) بر سر کودکان گسترده شده است. پژوهش حاضر تلاش داشت تا حمایت‌های سیاست‌گذارانه و حقوقی از کودکان در ایران را بررسی کرده و تلاش کرد تا به این سؤال پاسخ دهد که چه رویکردها و سیاست‌هایی در بُعد حقوقی و سیاستی در قبال اطفال و کودکان در ایران پس از انقلاب وجود دارد؟. رویکرد حمایتی و توانمندسازی کودکان به عنوان رویکردهای اولویت دار برای سیاست‌گذار و قانون‌گذار مطرح بوده است و در بعد سیاست‌گذاری فعالیت و وجود اسناد سیاستی و فعال کردن نهادهایی چون سازمان بهزیستی کشور و همچنین اورژانس اجتماعی کشور از یک سو و از بعد حقوقی تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ از سوی دیگر در حوزه کودک، وضعیت حمایتی را تعیین کرده است. این مقاله به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی تدوین شده است و داده‌های آن به صورت اسنادی جمع آوری گردیده است.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، کودکان و نوجوانان، سیاست‌گذاری حمایتی، مقررات‌گذاری، حقوق کودک.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸

مقدمه

یکی از حوزه‌های مهم سیاست‌گذاری اجتماعی و حقوقی، سیاست‌گذاری کودک است که به مجموعه‌ای از اقدامات و قوانین و تنظیم‌گری‌های اطلاق می‌شود که به منظور حمایت نهادی و حقوقی از اطفال و کودکان در برابر مخاطرات و سوءاستفاده و آسیب و به طور کلی شفاف‌سازی در رابطه با نحوه رفتار با کودکان می‌باشد (Eu Commission, 2020). این امر به میزان اهمیت حوزه کودک در خانواده و جامعه برمی‌گردد. حمایت از کودکان بویژه با وضع قوانین و مقررات، یکی از مناقشه‌آمیزترین موضوعات حوزه سیاست‌گذاری حقوقی و در عین حال یکی از ضروری‌ترین اقدامات در هر جامعه است. طیف وسیعی از موضوعات از تعریف کودک گرفته تا چگونگی بهره‌مندی کودکان از حقوق خود، امکان تنبیه و تأدیب کودکان و مسئولیت مدنی و کیفری آنها، با اختلاف نظر جدی مواجه است. ضرورت حمایت از کودکان، مرزبندی سنتی بین حوزه خصوصی و عمومی را بر هم زده و کودکان را از افرادی عمدتاً تابع قواعد حقوق خصوصی به افرادی تابع قواعد حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل تبدیل کرده است. هم‌اکنون در کشورهای توسعه یافته، شناسایی حقوق مشارکتی برای کودکان منجر به بازنگری اساسی در کم و کیف حقوق و مسئولیت‌های کودکان و والدین و جامعه شده است (جینیدی، ۱۳۹۶). امروزه علاوه بر خانواده، جامعه را نیز مسئول تربیت و رشد فرزندان می‌دانند. درجای که دولت‌ها والدین را مسئول تضمین رفاه فرزندان‌شان از طریق خدمات رفاهی کودکان می‌دانند در کشورهای مختلف متفاوت است. در ایران نیز حوزه‌ی کودک از اهمیت زیادی برخوردار است و اساساً موضوع کودک از موضوعاتی است که حساسیت زیادی را طی سالیان اخیر متوجه خود ساخته است و مسائل کودکان به یک نگرانی فزاینده در میان جامعه مدنی و سیاست‌گذاران تبدیل شده‌اند (Takaffoli et al, 2020: 105-129).

در همین راستا منظور مقررات و تنظیم‌گری‌های متعددی در باب این حوزه تصویب شده و در باب آنها سیاست‌گذاری شده است. اما علیرغم وجود این توجه و حساسیت، کودکان کماکان به مثابه یک گروه آسیب‌پذیر در مواجهه با انواع تهدیدها و مخاطرات قرار دارند و نظام حقوقی کشور برای حمایت از آنها در برابر این مسائل دارای خلاء و کمبودهای متعددی است. ادبیات سیاست‌گذاری و حقوقی حوزه کودک حاکی از وجود سه نوع رویکرد در مورد کودکان و حقوق آنهاست: نخست رویکرد نفی‌کننده است که معتقد است کودکان حقوقی نداشته و ذیل سلطه و مدیریت والدین تعریف می‌شوند؛ رویکرد دوم که کودکان را موجوداتی آسیب‌پذیر و محتاج پشتیبانی و حمایت معرفی

می‌کند و سومین رویکرد که کودکان را به مثابه یک انسان در نظر گرفته و میان آنها و بزرگسالان تفاوتی قائل نمی‌شود و به طور مستقل کودک را دارای حقوقی به مثابه دیگر انسانها می‌داند (Royse & Griffiths, 2020: 42).

با توجه به تعریفی که از کودک و حقوق او در هر یک از این رویکردها ارائه می‌شود، جایگاه کودک در نسبت با والدین و خانواده و جامعه متفاوت خواهد بود و محدوده‌ی حمایتی از آن چه به صورت حقوقی و چه در قالب حمایت‌های نهادی متغیر است؛ می‌توان گفت رویکرد اول، حقوقی را برای کودک نمی‌شناسد، حال آنکه رویکرد دوم حقوق حمایتی و رویکرد سوم حقوق مشارکتی را برای آنها قائل است. گفتمان غالب در فضای حقوقی ایران، بیشتر ناظر به حقوق حمایتی است و افزودن نگاه مبتنی بر حقوق مشارکتی می‌تواند موجب ارتقای حقوق کودکان شود. به نظر می‌رسد با توجه به اندک بودن ادبیات حمایت از کودکان و حساسیت این موضوع، ضرورت بررسی بیشتر وضعیت حمایتی از کودکان در ایران در سطح سیاست‌گذاری و حقوقی را ایجاب می‌نماید.

به همین منظور است که پژوهش حاضر تلاش دارد تا حمایت‌های سیاست‌گذارانه و حقوقی از کودکان در ایران را بررسی کرده و تلاش خواهد کرد تا به این سؤال پاسخ دهد که چه رویکردها و سیاست‌هایی در بُعد حقوقی و سیاستی در قبال اطفال و کودکان در ایران پس از انقلاب وجود دارد؟. در پاسخ به این سؤال و در مقام فرضیه تحقیق باید گفت رویکرد حمایتی و توانمندسازی کودکان به عنوان رویکردهای اولویت دار برای سیاست‌گذار و قانون‌گذار مطرح بوده است و در بعد سیاست‌گذاری فعالیت و وجود اسناد سیاستی و فعال کردن نهادهایی چون سازمان بهزیستی کشور و همچنین اورژانس اجتماعی کشور از یک سو و از بعد حقوقی تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ از سوی دیگر در حوزه کودک، وضعیت حمایتی را تعیین کرده است. این مقاله به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی تدوین شده است و داده‌های آن به صورت اسنادی جمع‌آوری گردیده است.

۱. پیشینه تحقیق :

در زمینه حوزه ادبیات سیاست‌گذاری و حقوقی کودک آثار متعددی تدوین شده است اما به نسبت حساسیت و اهمیت این حوزه، تعدد و تنوع تحقیقات و پژوهش‌های کمتری را شاهدیم. در ادامه به برخی از این آثار می‌پردازیم.

جلالیان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان « حق کودکان بر محیط زیست سالم در اسناد بین‌المللی » در پاسخ به این سؤال که در اسناد بین‌المللی چه تضمین‌هایی برای حمایت از

کودکان در برخورداری از محیط زیست سالم پیش‌بینی شده است؟ به این نتیجه رسیده است که در اسناد متعدد بین‌المللی، گرچه تصریحاً و مستقلاً شاهد ورود به حق کودکان بر محیط زیست سالم نیستیم، اما در مواد متعددی شناسایی این حق قابل استنباط می‌باشد. از این جهت به رسمیت شناختن صریح حق کودک برای داشتن محیط زیست سالم باید در سطح جهانی مورد توجه قرار بگیرد.

اسفندیاری (۱۴۰۰) در مقاله‌ی خود با عنوان « اقدامات حقوقی حمایت‌محور سازمان بهزیستی نسبت به کودکان و نوجوانان » به این نتیجه رسیده است که سازمان بهزیستی از طریق اعمال اختیارات خود در رابطه با مراکز نگهداری شبانه‌روزی و خانواده جایگزین و مشارکت در پیشگیری از بزه‌دیدگی، کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست را تحت حمایت حقوقی قرار می‌دهد. همچنین در مورد کودکان خیابانی از طریق جذب و اصلاح کودکان و اقدامات حمایتی اورژانس اجتماعی، ایفای نقش می‌نماید.

شعبان (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان « گفت‌وگوهای حاکم بر کودکی و مطالعات کودکی: مروری بر جامعه ایرانی » به دنبال کشف گفت‌وگوهای غالب بر عرصه کودکی در جامعه ایرانی بوده و به این یافته رسیده است که در جامعه‌ی ایران از بین سه گفت‌وگو، نیازها، حقوق و کیفیت زندگی، در عرصه‌ی کودکی، گفت‌وگوهای مسلط است و سلطه‌ی گفت‌وگوهای حقوقی بر کودکی و مطالعات کودکی در ایران، منجر به ایجاد جبرهای ساختاری و مطالبات مردمی برای حمایت حقوقی بیشتر از کودکان شده است. مهمترین وضعیت ساختاری و کنشی در گفت‌وگوهای حقوقی کودک در ایران، شکل‌گیری ساختار مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک و گسترش انجمن‌های حمایت از کودکان و حقوق آنها در ایران است.

محسنی (۱۳۹۹) در مقاله خود تحت عنوان « روش‌های حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست در حقوق ایران » به این نتیجه رسیده است که براساس قوانین و مقررات کنونی، در صورت بی‌سرپرست شدن کودک یا لزوم خروج کودک بدسرپرست از خانواده اصلی، سرپرستی و نگهداری از وی توسط خانواده جایگزین و در غیر این صورت، در مراکز شبانه‌روزی (خانه‌های شبه خانواده) انجام می‌گیرد. در صورت بازیابی صلاحیت خانواده یا استقلال یافتن فرزند مورد حمایت، مداخله‌های عمومی برای حمایت از کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست موثر پایان می‌یابد. بی‌شک، بازگشت موفق کودک به خانواده علاوه بر رفع موانع خانوادگی موجود، مستلزم طی روندی تدریجی و تحت نظارت به دور از شتاب‌زدگی است.

زاهدی اصل و بزرافکن (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «بررسی روند تحولات سیاست گذاری و نهادی مربوط به کودکان در ایران» به این نتیجه رسیده است که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پهلوی اول مواجهه با کودکان را عموماً از زاویه‌ی دولت-ملت‌سازی و نقش آن‌ها در این زمینه مورد بررسی قرار داد و اگرچه اقداماتی برای حمایت از کودکان انجام شد اما دولت سعی داشت که عمدتاً نیازهای کودکان در قالب خیریه‌ها و امور وقفی پاسخ داده شوند. در دوران پهلوی دوم، تلاش‌ها در این زمینه به تدریج شکل سازمان‌یافته‌تر و رسمی‌تر، عموماً در قالب سایر نهادها مانند خانواده به خود گرفت. در دوران جمهوری اسلامی ایران، کودک و کودکی محل توجه بیشتر و جامع‌تری از قانون اساسی گرفته تا سایر قوانین قرار گرفته، با این حال، تنش‌های بین رویکردهای سنتی یا دینی و رویکردهای مدرن، تعیین‌کننده‌ی ماهیت اغلب سیاست‌های معطوف به کودکی است که در بسیاری موارد منجر به محروم شدن کودکان از بسیاری حمایت‌ها شده است.

معینی‌پور (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان «جمهوری اسلامی ایران و حق کودکان بر آموزش: مقبولیت و سازگاری» با تکیه بر طرح (4-A) که توسط گزارشگر ویژه سابق کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد برای آموزش تدوین شده است، به بررسی تعهدات ایران در قبال حقوق آموزشی کودکان می‌پردازد که به موجب آن آموزش باید در دسترس، در دسترس، قابل قبول و سازگار باشد. این الزامات دولت برای اطمینان از قابل قبول بودن و سازگاری آموزش را بررسی می‌کند. تعدادی از دلایل حقوقی و سیاسی را مشخص می‌کند که چرا کودکان نمی‌توانند حقوق تحصیلی خود را مطالبه کنند. این خواستار اصلاحات اساسی آموزشی و اجتماعی و اولویت دادن به بهترین منافع کودک بر منافع دولت است.

۲. چارچوب نظری :

همانطور که بررسی شد سیاست‌گذاری در حوزه کودکان شامل مجموعه‌ای از دستور-العمل‌ها، مقررات و اقداماتی است که با هدف تضمین ایمنی، رفاه و حقوق کودکان انجام می‌شود. این سیاست‌ها برای جلوگیری از کودک‌آزاری، استثمار، بی‌توجهی و سایر اشکال آسیب طراحی شده‌اند. تمرکز اصلی آنها ایجاد محیطی است که رشد و تکامل سالم را برای کودکان در تمام سنین پرورش دهد. با عطف توجه به این تعریف و مطابق اسناد بین‌المللی، کودکان از حقوق بنیادین از قبیل رشد، بقا، زندگی و امنیت برخوردار هستند. در کنار این موارد هر کودکی حق دارد از خطرات موجود در جامعه از قبیل خشونت، سوءرفتار و بی‌توجهی در امان باشد... اگر کودکان از این خطرات در امان نباشند

و یا از آنان حمایت به عمل نیاید منجر به ایجاد مشکلات عدیده جسمی، روحی و بهداشتی برای آنان خواهد شد؛ بنابراین حمایت از کودکانی که به علت شرایط مختلف خود نیازمند حمایت هستند نه تنها به خودی خود برای دولت‌ها اهمیت دارد، بلکه طبق اسناد بین‌المللی از وظایف آنها است (صفراورنگی و کوشکی، ۱۴۰۱: ۱۴۳-۱۶۱).

به دلیل قرارگیری و شمولیت حوزه کودک ذیل سیاست‌گذاری عمومی دولت، سیاست‌گذاری حمایتی از کودکان را باید در ذیل سیاست‌گذاری اجتماعی تعریف کرد. در ادبیات جدید سیاست‌گذاری اجتماعی و به طور خاص در حوزه سیاست‌گذاری کودک علی‌رغم اینکه والدین مسئولیت اصلی تربیت و رشد کودک را بر عهده دارند، جامعه و دولت نیز با توجه به رویکردهای جدید به حقوق کودک، مسئول رشد کودک می‌باشد (Melton et al, 2014: 36). درجه‌ای که دولت‌ها والدین را برای اطمینان از رفاه فرزندان خود مسئول می‌دانند در کشورهای مختلف متفاوت است و بنابراین مطالعات متعددی ابعاد و ویژگی‌های خدمات رفاهی کودکان را در کشورهای مختلف بررسی کرده اند (Gilbert, 1997, Pringle, 1998, Khoo et al., 2002, Hearn et al., 2004, Glad, 2006, Levy et al., 2007, Boddy et al., 2009, Thoburn, 2010; Ganji et al, 2021; Kamerman et al., 2010, Picot, 2014).

سیستم‌های رفاه کودکان ۹ کشور در مطالعه‌ی گیلبرت (1997) و در پژوهشی دیگر در کشور در گیلبرت، پارتون و اسکینوز (2011) برای ایجاد طبقه‌بندی برای سیستم‌های رفاه کودکان مورد بررسی قرار داده‌اند. گیلبرت و همکاران (2011) سه جهت‌گیری همگرایی شامل حمایت از کودک، خدمات خانواده و رشد کودک را شناسایی کرده‌اند. این جهت‌گیری‌ها تعیین می‌کند که چگونه در مواجهه با مخاطرات و آسیب‌ها مدل مداخلات دولت و خانواده و جامعه مشخص می‌شود و نسبت این سه مولفه با هم مشخص می‌گردد.

به گفته گیلبرت (2012) رویکرد حمایت از کودک به بدرفتاری به عنوان رفتار انحرافی والدین و فرزندپروری ناکارآمد اشاره می‌کند که مستلزم تحقیقات قانونی و استفاده از قدرت‌های اجباری رایج برای قرارداد غیرارادی در خارج از خانه است؛ بنابراین رابطه بین والدین و دولت تقابلی است. در مقابل حمایت از کودک، جهت‌گیری خدمات خانواده به مشکلات به عنوان بازتابی از ناکارآمدی خانواده ناشی از مشکلات روانی، مسائل زناشویی و استرس اجتماعی-اقتصادی اشاره دارد که می‌تواند با مداخلات درمانی کنترل شود. این جهت‌گیری معتقد به مشارکت با والدین و مداخلات داوطلبانه دولت و جامعه و خانواده است. گیلبرت و همکاران (2011) به رویکرد سومی اشاره دارد که از

تلاش برای دستیابی به تعادل سازنده بین خدمت به خانواده ها و حمایت از کودکان پدید آمده است. جهت گیری رشد کودک بر نقش پدرانه دولت در ارتقای رشد کودکان تاکید دارد. نگرانی اصلی آن بیش از محافظت از کودکان در برابر خطر است، بلکه شامل مشاهده موقعیت‌ها از منظر کودک و تفهم آن است. در این بین نقش خانواده و جامعه در زمینه سازی نگاه حمایتی به کودکان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا صرف تکیه بر مداخلات و سیاستهای حمایتی دولت، نمی‌توان شاهد تعمیق نگاه تفهمی به حوزه و حقوق و سیاست کودکان شد. در این بین نهادهای غیردولتی (NGOs) قادرند به طور عملی مروج تدریجی این نگاه در سطح جامعه باشند.

از سوی دیگر نقش دولت هم در رویکرد سوم حیاتی است. به نظر می‌رسد دولت در رویکرد سوم تلاش دارد به تفهم و تفسیر دنیای پیرامون و مخاطرات آن از چشم کودک بپردازد و بنیاد تشکیل نظام حمایت از کودکان را بدین گونه ایجاد نماید: جلوگیری از خشونت، سواستفاده، استثمار، بی‌توجهی و همچنین ارائه راه حل، توانبخشی، توانمندسازی، جبران خسارت و درمان کودکانی که قربانی شده‌اند، آگاهی از علل شکست‌های حمایت از کودکان و ارائه آمار در خصوص کودکانی که مورد آسیبهای فوق قرار گرفته‌اند، تدوین سیاست‌ها و مقررات، مداخله برای پیشگیری و واکنش، تشویق کودکان، والدین آنها، سازمان‌های بین‌المللی و همچنین نهادهای مردمی در جهت مشارکت با یکدیگر (Gide, 2009: 5؛ صفرآورنگی و کوشکی، ۱۴۰۱: ۱۴۳-۱۶۱). بنابراین شاید دو سطح سیاست‌گذاری و حقوقی کودکان از یکدیگر جدا و متمایز باشند ولی باید براساس محورهای تعریف شده‌ی فوق مکمل یکدیگر بوده و دارای همپوشانی باشند.

۳. سطح سیاست‌گذاری حوزه کودک: سازمان بهزیستی کشور و برنامه

اورژانس اجتماعی

سازمان بهزیستی کشور که زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، عمدتاً مسئولیت مراقبت و حمایت از کودکان بی سرپرست و کودکان دارای سرپرست نامناسب را بر عهده دارد. سازمان بهزیستی کشور بدنه اصلی سیاست‌گذاری و نهادی حمایت از کودکان ایران است. این سازمان در مراحل مختلف حفاظت، به ویژه در تصمیم‌گیری در مورد نوع مراقبت، همکاری نزدیکی با نهاد قضایی ایران داشته است. خدمات بهداشت و درمان سازمان بهزیستی توسط مراکز دولتی یا سازمان‌های غیردولتی با نظارت سازمان نظام وظیفه ارائه می‌شود و منابع مالی آن از محل بودجه‌های دولتی و استانی و

همچنین کمک های خیریه و موسسات غیردولتی تامین می شود، اما آماری از بودجه وجود ندارد. خدمات رفاهی کودک (Tactfully et al, 2020: 105-129).

سازمان بهزیستی کشور حمایت از کودکان خدمات خود را عمدتاً از طریق برنامه‌ی اورژانس اجتماعی برای شناسایی و ارائه حفاظت و حمایت مناسب از کودکان آسیب پذیر ارائه می‌کند. این برنامه ، تلفیقی از مداخله در بحران ، فردی ، خانوادگی و اجتماعی (مرکز اورژانس اجتماعی) ، خط تلفن اورژانس اجتماعی (۱۲۳) ، تیم سیار اورژانس اجتماعی (خدمات اجتماعی سیار) و پایگاه اورژانس اجتماعی (پایگاه خدمات اجتماعی) است که در مرحله اول با هدف توانمندسازی اجتماع محور در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی تدوین شده بود ، که هر کدام دستورالعمل مستقل دارند و برنامه پیوست چکیده آنها می باشد. در این برنامه ویژگی مهم ارائه خدمات اجتماعی یعنی: "تخصصی بودن" ، "به موقع بودن" و "در دسترس بودن" مدنظر قرار گرفته است تا از این طریق ارائه خدمات اجتماعی به مردم در سازمان بهزیستی کشور "محدود به زمان و مکان" نگردد و "رویکرد فعال" جایگزین رویکرد غیر فعال شود و "اجتماع محوری" در برنامه ها عملیاتی شود. این برنامه استفاده بهینه از منابع مادی و معنوی (نیروی انسانی) ، کاهش دیوان سالاری اداری ، تجمیع خدمات ، هماهنگی بین واحدها ، جامعیت ، فراگیری و را در پی دارد. این برنامه قصد دارد تا "مداخلات روانی - اجتماعی" را قبل "از مداخلات قضایی و انتظامی" و حتی در کنار این نوع مداخلات جایگزین کند که این مسئله در "پیشگیری از وقوع جرم" و "قضازدائی" نیز نقش مهمی ایفا می کند. شناسایی آسیب‌های اجتماعی شایع و در حال شیوع بصورت کشوری و منطقه ای و محلی نیز از طریق این برنامه صورت خواهد پذیرفت. در واقع این نوع مداخلات تاثیر گذاری «تئوری بر چسب» را به حداقل خواهد رساند تا زمینه ای برای توانمندسازی افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی و بازگشت آنها به زندگی سالم باشد. برنامه اورژانس اجتماعی شامل فعالیتهای مرکز مداخله در بحرانهای فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ پایگاه خدمات اجتماعی؛ خط تلفن اورژانس اجتماعی (۱۲۳) و خدمات سیار اورژانس اجتماعی است. هدف کلی این طرح کنترل و کاهش بحران های فردی - خانوادگی و اجتماعی و اهداف اختصاصی آن شامل:

- در دسترس قرار دادن خدمات تخصصی و اورژانسی سازمان بهزیستی به آحاد جامعه
- ارتقاء توانمندیهای افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی جهت مقابله با مسائل اجتماعی در شرایط بحرانی از طریق ارائه خدمات تخصصی و به موقع ؛
- ایجاد زمینه مشارکت مردم و سازمانهای غیر دولتی؛

-ارتقاء آگاهی و شناخت خانواده و اجتماعی نسبت به نیازهای مراجعان به منظور تسهیل فرایند حل مسئله در شرایط بحرانی؛
-شناسایی مناطق و کانون های آسیب زا و اقدامات تخصصی در بحران زدایی؛
-شناسایی آسیب های اجتماعی نوپدید و بازپدید؛
-مداخله موثر به منظور کاهش جرایم و جلوگیری از تشدید بحران و آسیب های اجتماعی و کاهش صدمات بر اقشار در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی (سازمان بهزیستی کشور، ۱۴۰۲).

اورژانس اجتماعی خدمات رایگان را در ۲۴ ساعت از طریق مراکز اورژانس اجتماعی، خدمات سیار (در مناطق محروم شهری و روستایی)، خط تلفن فوری اضطراری اجتماعی و مراکز خدمات اجتماعی اجتماعی (در سکونتگاه های غیررسمی) ارائه می کند. بر اساس گزارش اورژانس اجتماعی در سال ۱۴۰۲، ۳۷۴ مرکز اورژانس اجتماعی، ۲۵۵ خدمات سیار، ۲۱۱ خدمات خط تلفن و ۲۲۳ مرکز خدمات اجتماعی اجتماعی در ۳۱ استان های کشور فعال بوده است. (سازمان بهزیستی کشور، ۱۴۰۲).

اگرچه از نظر نیروی کار بهزیستی کودک، هیچ آمار یا داده ای برای نشان دادن وضعیت متخصصان مختلف به ویژه مددکاران اجتماعی در سیستم رفاه کودک وجود ندارد، اما می توان در نظر گرفت که مددکاران اجتماعی در بخش های دولتی و خصوصی در تمامی دستورالعمل های مربوط به مراحل مختلف مداخلات در پرونده های حمایت از کودکان و دستورالعمل های مربوط به انواع مختلف مراقبت های جایگزین از کودکان، مسئولیت اصلی را بر عهده دارند.

کلینیک های مددکاری اجتماعی یکی از ویژگی های اصلی در بخش خصوصی سیستم رفاه کودکان است. مدرک لیسانس مددکاری اجتماعی حداقل نیاز برای ایجاد چنین کلینیکی است و در سال ۲۰۱۷، ۴۸۳ کلینیک مددکاری اجتماعی در زمینه های مختلف با سازمان بهزیستی کشور همکاری کردند (سازمان بهزیستی کشور، ۱۴۰۲). مراکز دولتی و غیردولتی برای مراقبت های نهادی باید مددکاران اجتماعی و روانشناسان را با حداقل مدرک کارشناسی در رشته دانشگاهی خود استخدام کنند. همانطور که گزارش سازمان بهزیستی بیان کرد، در سال ۱۴۰۱، ۵۸۵ مددکار اجتماعی در مراکز دولتی (۹،۴ درصد) و غیردولتی (۹۰،۶ درصد) شاغل بودند که از این تعداد ۷،۳۵ درصد فاقد لیسانس، ۸۲،۶ درصد دارای لیسانس و ۱۰،۰۹ درصد دارای مدرک لیسانس بودند. در ایران در دهه اخیر افزایش چشمگیری در مددکاری اجتماعی دانشگاهی مشاهده شده است. دو دانشگاه

دولتی اصلی مددکاری اجتماعی را به عنوان یک رشته آکادمیک در مقطع کارشناسی تا دکترا ارائه می‌دهند و دانشگاه‌های دولتی و خصوصی مختلف با مدرک کارشناسی در مددکاری اجتماعی. اما در زمینه رفاه کودکان، هنوز مددکاران اجتماعی بدون مدرک تحصیلی مرتبط وجود ندارد (takafolli et al, 2021: 105-129). علیرغم توجه روزافزون دولت و به ویژه سازمان بهزیستی کشور به حمایت از کودکان در دهه‌های اخیر، چالش‌ها و انتقاداتی وجود دارد، مانند سیاست‌ها و خدمات فردی که مبتنی بر خانواده نیستند، توجه کمتر به پیشگیری و تمرکز بر بروز آسیب، ضعف اجرای همکاری‌های بین بخشی و بین سازمانی و کمبود منابع مالی و انسانی (غفاری و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۷۷-۲۰۹).

همچنین بسیاری از مسائلی که کودکان را در ایران تهدید می‌کند هنوز وجود دارد. به دلیل نبود سیستم یکپارچه ملی برای جمع آوری و گزارش دهی داده‌ها، امکان ارائه اطلاعات آماری دقیق ملی در مورد مسائل و مشکلات کودکان وجود ندارد. آموزش ناکافی پیش دبستانی چالش دیگری برای کودکان در ایران است. در طول ۲۰۱۱-۲۰۱۶، نسبت ثبت نام ناخالص پیش دبستانی برای پسران تنها ۵۱ درصد و برای دختران ۵۰ درصد بود (یونیسف، ۲۰۱۷). کودک آزاری و بی توجهی نیز یک چالش قابل توجه در ایران است (نوبهار، ۱۳۹۹: ۱۴۵-۱۵۷) اما اطلاعات دقیق و ملی در این مورد وجود ندارد.

می‌توان نتیجه گرفت که در ایران، کودکان به دغدغه روزافزونی برای جامعه مدنی و سیاست‌گذاران تبدیل شده‌اند و در دهه‌های اخیر تغییرات قابل توجهی برای ارتقای جایگاه آنها ایجاد شده است. بنابراین، ادبیات دانشگاهی و سیاست‌گذاری ایران نیاز به ارائه تعریفی صریح برای رفاه کودکان دارد که مقایسه و شناسایی سیاست‌ها و عملکردها را تسهیل کند. همانطور که هترینگتون (۲۰۰۲) اشاره کرد، مطالعه سیستم‌های رفاه کودکان کشورهای مختلف می‌تواند توسعه ایده‌های جدید برای تغییر و بهبود سیستم را تسهیل کند، ما را نسبت به چالش‌های اصلاحی بیشتر آگاه کند و تأمل در مورد تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در مداخلات را تسهیل کند.

۴. سطح حقوقی کودک: قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

جمعیت جمهوری اسلامی ایران کمی بیش از ۸۵ میلیون نفر است که ۲۲ میلیون و ۱۴۹ هزار نفر از آنها زیر ۱۸ سال سن دارند (UNICEF, 2022). در سال‌های اخیر، حقوق و رفاه کودکان، به ویژه حمایت از آنها در برابر آسیب، مورد توجه جامعه مدنی، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. تلاش برای ارتقای وضعیت کودکان در شاخص‌های مختلف ملی و بین‌المللی متجلی شده است. بر اساس شاخص توسعه کودک

در سال ۲۰۲۳، ایران جزو کشورهایی است که بیشترین پیشرفت را داشته است و با برداشتن ۱۵ مرحله ارتقاء طی سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۲، رتبه ۶۰ کشور از ۱۴۱ کشور را به خود اختصاص داده است (Save the Children, 2023). همچنین بر اساس گزارش یونیسف (2022)، میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال به طور قابل توجهی بهبود یافته است و از ۵۷ مورد در هر ۱۰۰۰ تولد زنده در سال ۱۹۹۰ به ۱۵ مورد در هر ۱۰۰۰ تولد زنده در سال ۲۰۲۳ کاهش یافته است. از نظر تحصیلی، خالص مدارس ابتدایی نسبت ثبت نام در ایران ۹۹ درصد گزارش شده است. از نظر تدوین مقررات، ایران در ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ کنوانسیون حقوق کودک (CRC) را امضا کرد و در آگوست ۱۹۹۴ به صورت مشروط آن را تصویب کرد. تصویب کنوانسیون حقوق کودک و سایر تعهدات بین المللی منجر به افزایش تلاش های فعالان حقوق کودک برای تدوین قوانین مربوط به کودک برای انطباق با CRC شد. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱) اولین قانون خاص در مورد حمایت از کودکان بود و می توان آن را نقطه عطفی در حقوق کودکان در ایران دانست. بدیع ترین نکات این قانون شامل افزایش سن به ۱۸ سال از نظر حمایتی، تعریف واژه کودک آزاری برای اولین بار در ادبیات حقوقی ایران و گزارش اجباری کودک آزاری است (راغفر و یوسف وند، ۱۳۹۶: ۹-۳۶).

با این حال، هنوز انتقاداتی در مورد قوانین پراکنده فعلی در مورد کودکان وجود دارد. از این رو، برای رفع نواقص قوانین منسوخ و همزمان با تحولات بین المللی در زمینه رفاه و حمایت از کودکان، لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در مردادماه ۱۳۹۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که از نظر انطباق با اسلام و قانون اساسی همچنان در دست بررسی است. این لایحه به صراحت تعاریفی از مفاهیم مرتبط با بدرفتاری با کودکان را به منظور رفع ابهامات قبلی ارائه می کند. ۱۴ موقعیت پرخطر و خطرناک را تعریف می کند که مفهوم آسیب را گسترش می دهد. و این لایحه نگاه و مشارکت کودکان را نیز اعتبار بخشیده است. البته انتقاداتی نیز به این لایحه وارد است. به عنوان مثال، مداخلات حمایتی هنوز نامشخص و ناکافی است و تعریف محدودی برای کودکان در معرض خطر وجود دارد (هدایت و هاشمی، ۱۲۷: ۱۳۹۶-۱۶۳؛ راغفر و یوسف وند، ۱۳۹۴: ۹-۳۶).

همچنین در ایران هیچ نهاد خاصی به عنوان یک مفهوم جامع و پیشگیرانه پاسخگوی مسائل رفاهی کودکان نیست. اقدامات بهداشتی، آموزشی، حفاظتی و تنبیهی کودکان و نوجوانان به طور جداگانه به نهادهای مختلف دولتی واگذار می شود.

اما قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصادیق «وضعیت مخاطره آمیز» برای طفل یا نوجوان را بیان، تکالیفی را برای قوه قضائیه، چند وزارتخانه و صدا و سیما، سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی تعیین و جرایم و مجازاتی را مشخص و حکمی مناقشه برانگیز درباره انتقال اعضای اطفال و نوجوانان به بیماران نیازمند مقرر کرده است. در این قانون، «تقاضای طفل یا نوجوان» به عنوان یکی از جهات جدید شروع به تعقیب کیفری یا اتخاذ تدابیر حمایتی شناخته شده است. در نتیجه با اینکه تعقیب جرایم مندرج در این قانون نیاز به شکایت ندارد، برای حمایت بیشتر از اطفال و نوجوانانی که بزه دیده واقع می‌شوند، قانونگذار «تقاضای طفل و نوجوان» را «برای شروع به تعقیب» کافی دانسته است. استفاده از کلمه «تقاضا» برای اقدام طفل (فرد غیربالغ) و نوجوان (فرد بالغ زیر هجده سال تمام) به منظور تسهیل مداخله آن‌ها و معافیت از تقدیم شکایت و پرداخت هزینه دادرسی مربوط به آن است.

اگر کسی بخواهد در مورد رفتارهای مجرمانه‌ای که نسبت به اطفال و نوجوانان صورت می‌گیرد به دادسرا اعلام جرم کند و در عین حال هویتش (حتی بر دادسرا هم) مخفی باشد، می‌تواند شفاهی یا کتبی بدون ذکر نام و درج امضا، مطالب خود را اظهار نماید. در این صورت، اگر این مطالب دارای «قرائن معقول و متعارف باشد»، تعقیب کیفری و اقدامات حمایتی آغاز خواهد شد. حتی برای جلوگیری از بی‌تفاوتی دیگران نسبت به جرایمی که نسبت به اطفال و نوجوانان واقع یا خطرانی که نسبت به آن‌ها ایجاد می‌شود، این قانون اقدام به تعیین مجازات برای کسی کرده که از وقوع یا شروع آن‌ها مطلع بوده و با وجود توانایی اعلام و گزارش به مقامات یا مراجع صلاحیتدار و کمک طلبیدن از آن‌ها از این امر خودداری و یا در صورت عدم دسترسی به این مقامات و یا عدم تأثیر دخالت آنها، از اقدامات فوری و متناسب برای جلوگیری از وقوع خطر و یا تشدید نتیجه آن امتناع کند. البته مشروط بر اینکه با این اقدام، خطری مشابه یا شدیدتر متوجه خود او یا دیگران نشود.

در این قانون به آسیب‌هایی که افراد از آن رنج می‌برند نیز توجه ویژه شده است. این آسیب‌ها عبارتند از بی‌توجهی و سهل‌انگاری که مفهومی وسیع است و برای حمایت از کودکان در این قانون توجه شده است. منظور از کوتاهی و سهل‌انگاری، بی‌توجهی والدین در انجام تکالیفی است که در قبال کودکان خود موظف به انجام آن هستند. آسیب دیگر سوءرفتار است. این واژه هم کلی است و هر گونه فعل و ترک فعل عمدی که سلامت اخلاقی و اجتماعی طفل را مورد آسیب قرار دهد، مانند توهین، تادیب و... مورد توجه قرار داده است. بهره‌کشی اقتصادی نیز از دیگر آسیب‌هایی است که به مسائل کار

مطرح است و مقررات بین الملل و قانون کار کشور خودمان نیز کار را برای افراد زیر ۱۵ سال ممنوع و افراد ۱۵ تا ۱۸ سال را تحت شرایط خاص اجازه داده است. منظور از این قانون، وادار کردن کودک به کار به گونه‌ای که به لحاظ جسمی، روانی و اخلاقی برایش آسیب‌زا باشد، ممنوع است.

بحث مطالعاتی این قانون مورد بحث در سال ۱۳۸۳ آغاز و تا مراحل تدوین و تصویب آن حدود ۴ تا ۵ سال طول کشید. به لحاظ اینکه موضوع جدید بوده و نوآوری‌های خاص خود را داشت و نیاز به بررسی‌های خاص خود داشت، این لایحه کمی طول کشید و خوشبختانه در ۲۳ اردیبهشت سال ۹۹ به تصویب نهایی رسیده و از ۹۹/۴/۱۱ لازم‌الاجرا شده است. این قانون ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره دارد و تمام آن‌ها برای حمایت از افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. در ماده‌های یک و سه این آسیب‌ها تعریف شده‌اند. همانطور که از نام این لایحه پیداست، یک قانون حمایتی است؛ چه در سطح بین‌الملل و چه در سطح داخلی قوانینی در خصوص حقوق کودکان داریم که محور آن‌ها حمایت است. در بحث حقوق کیفری، کودکان در چهار محور بزهکاری، بزه دیدگی، شاهد بودن و در معرض خطر بودن مورد توجه قرار گرفتند. در حقوق کیفری تا دهه ۸۰، کودکان چندان مورد توجه نبودند و شاید اندکی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و از سال ۸۰ نهضتی در قلمرو حقوق کیفری برای توجه به حقوق کودک شکل گرفت و در ابعاد مختلف کودکان مورد توجه قرار گرفتند.

۴.۱. نقد لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۸۱ تصویب شد و ۱۸ ماده داشت که با رفت و آمد شورای نگهبان به ۹ ماده خلاصه شد و گرچه پاسخگوی نیازهای تامین حقوق کودکان در معرض آزار نبود اما گامی پیش به جلو محسوب می‌شود. قوه قضاییه در سال‌های ۸۴ و ۸۵ پیشگام شد تا لایحه قانونی حمایت از کودکان و نوجوانان را تدوین کند؛ در سال ۸۷ این لایحه در جلسات مسئولان شورای عالی قضائی تصویب شد و به دولت رسید. دولت در سال ۹۰ این لایحه را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان از سال ۹۰ تاکنون بین مجلس و شورای نگهبان در رفت و آمد بود؛ تدوین این لایحه ضرورتی بود که از دستگاه قضا متوجه آن شد و تحقیقات و مطالعاتی روی آن انجام دادند. بهزیستی، اورژانس اجتماعی و انجمن‌های فعال در حوزه کودکان نیز اطلاعات خوبی در اختیار سیستم قضایی قرار دادند تا لایحه خوبی تدوین شود.

پیش از این آنچه درباره این لایحه در رسانه ها عنوان شده تنها حمایت صرف از لایحه بوده است، غافل از اینکه این لایحه دارای نقاط ضعف بی شماری است. همانطور که از نام این لایحه پیدا است، یک قانون حمایتی است. چه در سطح بین الملل و چه در سطح داخلی قوانینی در خصوص حقوق کودکان داریم که محور آنها حمایت است. در بحث حقوق کیفری، کودکان در ۴ محور بزهکاری، بزه دیدگی، شاهد بودن و در معرض خطر بودن مورد توجه قرار گرفتند. در حقوق کیفری تا دهه ۸۰، کودکان چندان مورد توجه نبودند و از سال ۸۰ نهضتی در قلمرو حقوق کیفری برای توجه به حقوق کودک شکل گرفت و در ابعاد مختلف کودکان مورد توجه قرار گرفتند.

اولین گام در این قانون، تحلیل و شناسایی آسیب‌هایی است که کودکان در معرض آن هستند. در بخش اول این قانون به این آسیب‌ها توجه شده و در ماده یک آن تعریفی از اطفال و نوجوانان آمده است. آنچنان که طفل به دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال و نوجوانان به افراد بالغ زیر ۱۸ سال توجه می‌شود.

در این قانون به آسیب‌هایی که افراد از آن رنج می‌برند نیز توجه ویژه شده است. این آسیب‌ها عبارتند از بی‌توجهی و سهل‌انگاری که مفهومی وسیع است و برای حمایت از کودکان در این قانون توجه شده است. منظور از کوتاهی و سهل‌انگاری، بی‌توجهی والدین در انجام تکالیفی است که در قبال کودکان خود موظف به انجام آن هستند. آسیب دیگر سوء رفتار است. این واژه هم کلی است و هر گونه فعل و ترک فعل عمدی که سلامت اخلاقی و اجتماعی طفل را مورد آسیب قرار دهد مانند توهین، تادیب و... مورد توجه قرار داده است. بهره‌کشی اقتصادی نیز از دیگر آسیب‌هایی است که به مسائل کار مطرح است و مقررات بین الملل و قانون کار کشور خودمان نیز کار را برای افراد زیر ۱۵ سال ممنوع و افراد ۱۵ تا ۱۸ سال را تحت شرایط خاص اجازه داده است. منظور از این قانون، وادار کردن کودک به کار به گونه‌ای که به لحاظ جسمی، روانی و اخلاقی برایش آسیب‌زا باشد، ممنوع است. از دیگر آسیب‌هایی که کودکان از آن رنج می‌برند بحث خرید و فروش کودکان است که از آن با عنوان معامله کودک یاد می‌شود. در این قانون با این آسیب نیز مخالفت می‌شود. فحشا و هرزه‌نگاری نیز از بحث‌هایی است که امروزه با گسترش فضای مجازی گسترش یافته و در این قانون به طور خاص توجه می‌شود.

همچنین در این قانون بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل مورد توجه قرار گرفته و حدود حمایت از کودکانی که از تحصیل بازمانده‌اند نیز مشخص شده است. همچنین به بهزیستی و دادستان اجازه داده شده تا در صورت نیاز نسبت به این مساله اقدام کنند. ترد

شدن کودک و طفل از سوی خانواده نیز مورد توجه قرار گرفته و همچنین کم توانی جسمی و روانی کودکان زیر ۱۸ سال یا اختلال هویت جنسیتی نیز در این قانون مورد توجه قرار گرفته است. بزهکاری کودکان نیز مورد توجه قرار گرفته است. هر چند بزهکاری در جای دیگری مطرح است اما در این قانون افرادی که مرتکب بزهکاری می‌شوند و زیر ۱۸ سال هستند به عنوان وضعیت مخاطره آمیز که نباید با آنها رفتار کیفری شود، مورد توجه قرار گرفته است. نهایتاً اینکه در این قانون به آسیبی توجه شده به نام خطر شدید و قریب الوقوع که سلامت جسمی و روانی کودک را مورد توجه قرار می‌دهد. در این خصوص در ماده ۳۱-۳۲ و ۳۳ برای دادستان و مقامات قضایی و سازمان بهزیستی وظایف و تکالیفی در نظر گرفته شده است که طفل اگر در معرض خطر قریب الوقوع است، در امر آنها دخالت کند.

وضعیت مخاطره آمیز در ماده ۳ دیده شده و طفل یا نوجوان در معرض خطر را تعریف کرده است و مصادیق آن را برشمرده است. به این معنی که کودکی که در معرض خطر جسمی، روانی و اجتماعی و... قرار گیرد با عنوان وضعیت مخاطره آمیز تعریف می‌شود و دستگاه‌های مختلف نیز در این خصوص وظایفی دارند. برای مثال زندانی شدن والدین یکی از وضعیت‌های مخاطره آمیز برای کودکان است که در این امر وظیفه بر عهده سازمان زندان‌ها است. به این صورت که اگر کسی فرزندی دارد که با زندان افتادن آن والد، کودک بدون سرپرست می‌شود، در این شرایط باید اطلاع داده شود تا از کودک وی حمایت صورت بگیرد. مورد دیگر اعتیاد است مورد بعد خشونت اعضای خانواده نسبت به کودک و یا نسبت به یکدیگر است. در صورتی که این گونه تصور شود که این خشونت در فضای خانواده برای کودک آسیب‌زا است، تلاش می‌شود تا اقداماتی صورت بگیرد. از بعد قضایی باید به ساختارها توجه کرد. به طوری که در فصل دوم اشاره شده تمامی دستگاه‌های دخیل در این حوزه باید همکاری لازم را داشته و برای این منظور تشکیلاتی را ایجاد و شرح وظایفی برای آنها در نظر گرفته شود. در این قانون از ۱۰ سازمان قضایی، بهزیستی، انتظامی، سازمان زندان‌ها، وزارت کشور، اداره ثبت احوال، وزارت تعاون، وزارت بهداشت و صدا و سیما توجه شده است. در بحث قضایی ذکر شده که قوه قضاییه موظف است دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان را در دادگستری‌های هر استان ایجاد کند همچنین در ماده ۵ آمده در دادرها باید ساختار و تشکیلاتی ایجاد شود که متولی اجرای این قانون و مباحث مربوط به حمایت از کودکان است. در ماده ۲۸ و ۲۹ به ساختارهای قضایی توجه شده و تلاش گردیده برای کودکان شعب خاصی در نظر گرفته

شود. یکی از مباحثی که در این قانون به طور خاص توجه شده، توسعه اختیارات دادستان ها است که می‌توانند دخالت مستقیم کنند. وقتی کودک در معرض خطر است به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده شده تا مداخله کنند. به این صورت که در ماده ۳۳ هرگاه خطر شدید و قریب‌الوقوع طفل و یا نوجوان را تهدید کند، مددکاران اجتماعی بهزیستی یا ضابطان دادگستری و یا واحد حمایت دادگستری اجازه دخالت دارند.

همچنین یکی از بحث‌هایی که مطرح شده مساله جرم انگاری است. برای مثال تحریک به خودکشی، تحریک به فرار از خانه و... که منجر به صدمه به کودکان می‌شود با عنوان جرم انگاری نگریسته شده و سعی شده در این موارد با خاطیان برخورد شود. همچنین در بحث‌های شکلی و آیین دادرسی هم برای رسیدگی به پرونده‌هایی که قربانی آن کودکان است، مواردی دیده شده که از جمله آنها تشکیل پرونده شخصیت است. به این صورت که می‌توان برای قربانیان جرایم پرونده شخصیت تشکیل داد. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان لفظ خانواده به کرات مورد استفاده قرار گرفته است و حسب کاربرد آن در متن قانون مورد توجه قرار گرفته است. در هیچ یک از اسناد بین‌المللی خانواده تعریف نشده است. علت این است که خانواده به دلیل ماهیت ویژه، گستردگی و محدودیت‌های خاص تعریف دشواری دارد. می‌توان خانواده را اینگونه شناخت که گروهی متشکل از ۲ یا چند نفر که به لحاظ حقوقی و پیوند قانونی با یکدیگر زندگی می‌کنند و تغذیه، رشد و تربیت کودک را بر عهده دارند. این خانواده می‌تواند به شکل خانواده گسترده، هسته‌ای، تک‌والدی و یا خانواده‌های جایگزین باشند. بنابراین با گسترده‌ای از خانواده‌ها مواجه هستیم که همواره به حفظ و مراقبت از فرزندان می‌پردازند.

موضوع دیگر بحث حمایت است. معمولاً پیش‌گیری، تعقیب و پیگیری افراد، مجازات افراد که به حقوق کودک تجاوز می‌کنند، تمهید تسهیلات برای کودکان و یا خانواده آنها و مشارکت در خانواده با عنوان محدودده‌های حمایت شمرده می‌شود. بنابراین حمایت دو هدف کلی دارد یا پیشگیری و یا دادن پاسخ مناسب. خانواده‌های در معرض خطر خانواده‌هایی هستند که محیط خطرزا شناخته می‌شوند. به طور خاص در این قانون به عدم جدایی کودک از خانواده توجه شده و در ماده ۵ بند پ ایجاد شرایط لازم در خانواده برای کودکان در معرض خطر و یا بزه‌دیده توجه شده است. همچنین در ماده ۴۳ دادستان می‌تواند والدین و خانواده‌ها را مکلف به اخذ مجوزهایی برای نگهداری از فرزندان کند. در ماده ۳۲ نیز به مددکاران اجتماعی و بهزیستی اختیارات بسیاری داده شده است و گفته

شده اگر مدد کار موقعیت مخاطره آمیز طفل را تشخیص دهد می تواند کودک را از آن خانه و محیط خارج کند.

مولفه های خطر که در قانون حمایت از اطفال وجود دارد ناظر بر ویژگی ها، وضعیت ها و کاراکترهای آن طفل و یا نوجوان است. در این وضعیت کودک یا می تواند دچار ناهنجاری باشد مانند فرار از خانه، فرار از مدرسه، فرار از تحصیل و... که این موارد به نحوی کجروی شناخته می شوند. باز در چنین مواردی کودک احتیاج به حمایت دارد. حالت سوم بزه دیدگی کودکان و حالت چهارم وضعیت خود کودک است مانند بیماری های جسمی و روانی و یا اختلالات جنسیتی که عمدتاً آسیب های فردی و یا اجتماعی شناخته می شوند. گاهی خانواده های در معرض خطر داریم که اگر به هنگام اقدام نکنیم برای کودکان خطر زا می شوند. در واقع در اینجا در یک سطح خرد به کودک توجه می کنیم. یا حتی ممکن است کودک در محیطی که همسالان خوبی نداشته باشد و یا در مدرسه خوبی نباشد قرار گرفته باشد که در این صورت هم باز باید کودک مورد حمایت قرار بگیرد.

۴،۲. دلایل لزوم تصویب لایحه

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ دارای نقص های جدی بود به همین دلیل یک لایحه جدید برای الحاق به قانون فعلی حمایت از کودکان و نوجوانان نیاز و ضروری به نظر می رسید. قانون قبلی حمایت از کودکان و نوجوانان تنها ۹ ماده دارد و این ۹ ماده نیاز بچه های ایران زمین را برطرف نمی کند به همین دلیل لایحه ای با عنوان «حمایت از کودکان و نوجوانان» از سوی دستگاه قضا به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارائه شده است که در آن پیش بینی های برای حمایت از کودکان و نوجوانان کار، کودکان و نوجوانان بزه دیده و کودکان و نوجوانان در معرض بزه آورده شده است. کودک آزاری و سوء استفاده از کودکان امری حساس و نگران کننده است. دولت با همکاری مجلس و قوه قضائیه اقدامات خوبی در حوزه کودکان و نوجوانان انجام داده است، با این حال موضوع کودکان و نوجوانان نیازمند قانون جامع و بازدارنده ای بود که قوه قضائیه و کمیسیون قضایی مجلس روی این لایحه اقدامات خوبی انجام داده اند. به نظر می رسد فشار افکار عمومی از افزایش آسیب ها به یکی از آسیب پذیرترین و ناتوان ترین اقشار جامعه یعنی کودکان از دلایل لزوم تصویب لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان است.

نتیجه گیری

سیاست گذاری و مقررات گذاری حقوقی در حوزه ی کودک به عنوان یکی از حساس ترین حوزه های سیاست گذاری اجتماعی مطرح می باشد. سه بازیگر خانواده، جامعه و دولت مهمترین نقش را در تعیین حدود حقوق کودک و همچنین صورت بندی سیاست های معطوف به کودکان و اطفال ایفا می کنند. در ایران پس از انقلاب اسلامی نیز مساله کودک و جلوگیری از خطر ها و آسیب های کودکان در دستور کار دولت قرار گرفته است و چتر حمایتی در دو سطح سیاستی گذاری (نهادی) و حقوقی (قانون - اسناد) بر سر کودکان گسترده شده است. اما علیرغم تأکیدات اسنادی، قانونی و سیاستی، کماکان این اقدامات به منظور حمایت و پشتیبانی حداکثری از کودکان در برابر مخاطرات کافی نبوده است. به همین منظور پژوهش حاضر تلاش داشت تا حمایت های سیاست گذارانه و حقوقی از کودکان در ایران را بررسی کرده و تلاش کرد تا به این سؤال پاسخ دهد که چه رویکردها و سیاست هایی در بُعد حقوقی و سیاستی در قبال اطفال و کودکان در ایران پس از انقلاب وجود دارد؟.

یافته های پژوهش نشان می دهد که رویکرد حمایتی و توانمندسازی کودکان به عنوان رویکردهای اولویت دار برای سیاست گذار و قانون گذار مطرح بوده است و در بعد سیاست گذاری فعالیت و وجود اسناد سیاستی و فعال کردن نهادهایی چون سازمان بهزیستی کشور و همچنین اورژانس اجتماعی کشور از یک سو و از بعد حقوقی تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ از سوی دیگر در حوزه کودک، وضعیت حمایتی را تعیین کرده است

در بعد حقوقی باید گفت اگرچه قانون گذار سیاست افتراقی را در خصوص رسیدگی به جرائم ارتكابی کودکان پذیرفته است، ولی تا قبل از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹، این سیاست افتراقی در جرائمی که علیه کودکان انجام میشد به درستی محقق نشده بود و حمایت های قانونی نیز بسیار محدود می نمود. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، برخلاف قوانین سابق که اغلب ماهیتی صرفاً قضایی دارند- تا حدودی از قالب قضایی درآمده و به پیشگیری از وقوع جرم و پیشبینی ابزارهای حمایتی برای جلوگیری از وقوع خشونت علیه کودک ورود کرده است. از طرف دیگر، در فرض وقوع خشونت و بزه علیه کودکان نیز، با پیشبینی سیستم افتراقی، تحولاتی را در فرایند کیفری و رسیدگی قضایی - چه از حیث مقررات شکلی و چه از حیث جرم انگاری ها و مجازاتها- برای حمایت بیشتر ایجاد کرده است. مرحله پس از فرایند کیفری نیز در این

قانون مورد توجه ویژه قرار گرفته است و تلاش بیشتری جهت کاهش آسیب‌های کودک بزه دیده، پس از رسیدگی قضایی، برای تسهیل برگشت او به جامعه به عمل آمده است. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در حمایت از کودکان در معرض خطر و بزه دیده تحولات و نوآوری‌هایی را چه در پیشگیری از وقوع جرم علیه کودک و چه در فرایند رسیدگی کیفری و پس از آن ایجاد کرده است که در ارتقای حمایت از کودکان مؤثر است. این نوآوری‌ها، قانون جدید را در جایگاه مناسبی از جهت تأثیرگذاری در باورهای فرهنگی نسبت به کودکان قرار می‌دهد؛ به طوری که انتظار می‌رود به مرور زمان، با اجرایی شدن قانون این دیدگاه که کودک فرد مستقلی از خانواده و سرپرستان خود و صاحب حقوق مستقل است، تقویت و گسترش یابد. از سوی دیگر قانون مصوب برخلاف انتظارات نتوانسته جنبه‌های حمایتی از کودکان را به طور جامع ایجاد کند و با توجه به امکان فرار از اجرای آن توسط نهادهای دولتی، به بهانه نبود آیین نامه، نبود بودجه و نبود امکانات، چالش‌هایی فراروی اجرای آن وجود دارد. از سوی دیگر، اثرگذاری این قانون با توجه به پدیده اجتماعی بودن خشونت علیه کودکان، به تنهایی و فارغ از ارتقای وضعیت اقتصادی و معیشت و بهبود مشکلات اجتماعی و فرهنگی میسر نیست. به هر حال، تصویب و اجرایی شدن این قانون در صورتی که با هوشمندی مراجع قضایی و نهادهای دولتی و غیردولتی و همراهی افراد جامعه در عمل و اجرا همراه شود، نتایج مثبت غیرقابل انکاری را ایجاد خواهد کرد.

منابع و مآخذ:

- اسفندیاری، تهمنه (۱۴۰۰). «اقدامات حقوقی حمایت محور سازمان بهزیستی نسبت به کودکان و نوجوانان»، **فصلنامه حقوق کودک**، شماره ۱۲، صص ۱-۱۱
- جلالیان عسکر. (۱۴۰۱). «حق کودکان بر محیط زیست سالم در اسناد بین المللی». **فصلنامه حقوق کودک**. دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱-۱۶.
- جنیدی، لیا (۲۰ مهر ۱۳۹۶). حمایت از کودکان؛ مشکلات و راهکارهای حقوقی؛ پایگاه اطلاع رسانی دولت. <https://dolat.ir/detail/299941>
- راغفر، حسین؛ یوسفوند، فاطمه. (۱۳۹۴). «فقر کودک با تأکید بر اشتغال و اوقات فراغت: مطالعه موردی شهر تهران-۱۳۹۰»، **تحلیل های اقتصادی توسعه ایران**. دوره ۳، شماره ۱، صص ۹-۳۶.
- زاهدی اصل، محمد؛ بزرافکن، فرهاد. (۱۳۹۹). «بررسی روند تحولات سیاست گذاری و نهادی مربوط به کودکان در ایران». **پرنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، دوره ۱۱، شماره ۴۵، صص ۳۹-۸۳.
- سازمان بهزیستی کشور (۱۳۹۹). طرح اورژانس اجتماعی چیست؟. وبسایت سازمان. ۱۸ فروردین.
- شعبان، مریم (۱۴۰۰). «گفتن های حاکم بر کودکی و مطالعات کودکی: مروری بر جامعه ایرانی»، **فصلنامه حقوق کودک**، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۵-۲۷.
- صفراورنگی، علی؛ کوشکی، غلامحسین (۱۴۰۱). «نظام های حمایتی از کودکان نیازمند مراقبت؛ مطالعه موردی نظام حقوقی ایران و ترکیه»، **پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۶۱.
- غفاری، غلامرضا؛ حسینی، محمد. (۱۳۹۴). «بازخوانی تجربه سیاست های اجتماعی ناظر بر ریسک های کودکان در ایران معاصر». **مطالعات جامعه شناختی** (نامه علوم اجتماعی سابق)، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۱۷۷-۲۰۹.
- محسنی الهه. (۱۳۹۹). «روش های حمایت از کودکان بدسرپرست و بی سرپرست در حقوق ایران». **فصلنامه حقوق کودک**. دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۴۵-۱۸۳.
- نوبهاری، مهناز. (۱۳۹۹). «کودک آزاری، علل و پیامدهای آن با تأکید بر سوء رفتار عاطفی و روانی». **علوم اسلامی انسانی**، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۴۵-۱۵۷.
- هدایت، هدیه؛ هاشمی، سیدحسین. (۱۳۹۶). «الزام مراقبت های خانواده محور از کودک بزه دیده و استثنائات وارده به آن؛ تأملی بر نظام حقوقی ایران و نظام حقوق بشر». **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۲۷-۱۶۳.
- David Royse and Austin Griffiths (2020). **Child Welfare and Child Protection ;An Introduction** (First Edition). Canada: Cognella, Incorporated
- Europe Commission (2020). "Child protection policies: What they are? Why they are so important? When they are necessary". <https://ec.europa.eu/newsroom/just/items/666497/en>
- Ganji, Nader; Moheimany, Mohsen; Salehi, Morvarid (2021). "Covid-19, Youth. And the engineered Social Movments In Iran", In **Youth civic engagement and local peacebuilding in the Middle Eas and North Africa: prospects and challenges for community development**, by Ibrahim Natil, New York: Routledge
- Gilbert, Neil & Parton, Nigel & Skivenes, Marit. (2011). **Changing Patterns of Response and Emerging Orientations. Child Protection Systems: International Trends and Orientations.**
- Gilbert, Neil. (1997). " **Advocacy Research and Social Policy**". *Crime and Justice-a Review of Research - CRIME JUSTICE*. 22. 10.1086/449261.
- Melton, Kimbrough-, Robin J., and Gary B. Melton, (2014) 'Child protection policy', in Peter D. Donnelly, and Catherine L. Ward (eds), **Oxford Textbook of Violence Prevention: Epidemiology, Evidence, and Policy**, Oxford Textbooks (Oxford), online edn, Oxford Academic, 1 Nov.
- Moinipour, S. (2021). **The Islamic Republic of Iran and children's right to education: acceptability & adaptability**. *Human Rights Education Review*, 4(2), 26-48.
- Takaffoli, Marzieh & Arshi, Maliheh & Vameghi, Meroe & Mousavi, Mir Taher, 2020. "Child welfare approach in Iran", *Children and Youth Services Review*, Elsevier, vol. 114(C).105020,.